

## مصرف داخلی:

مهمترین محدودیت در مسیر صادرات کالا مصرف داخلی است. این محدودیت نه فقط بواسطه سیاست خودکفائی در تولید و مصرف وجود دارد بلکه بعنوان انتخاب خریدار بطور کلی نیز، برای عرضه کننده کالا مطرح می‌باشد و تولیدات داخلی به تناسب جاذبه موجود در بازار داخلی و یا خارجی یکی از آنها و یا ترکیب معینی از آنها را برمی‌گزیند. البته بخشی از مصرف داخلی پارچه به طریقی دیگر می‌تواند در

خدمت صادرات باشد و آن زمانی است که ناشی از افزایش صادرات پوشاک و رشد تولید داخلی و تقاضای آن جهت خرید پارچه باشد. علی‌ایحال هر چه ملتی بتواند کالاهای مصرفی کمتری مصرف نماید و سهم بیشتری از مصرف اینگونه کالاها را به تولید کالاهای سرمایه‌ای اختصاص دهد نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی و به‌مراه آن رشد اقتصادی افزایش

## دیدگاهی در صادرات منسوجات:

بررسی و تحلیل مصرف داخلی منسوجات و روند آن

بازرگانی داخلی



می‌یابد و در صورتیکه کالاهای مصرفی مزبور در جریان تولید داخلی کالاهای سرمایه‌ای مورد استفاده قرار نگرفته و بخارج صادر گردد، کشور را قادر می‌سازد که متناسب با این امکانات صادراتی و ارزش حاصله، کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز کشور را وارد کرده و زمینه‌های مساعد رسته اقتصادی را تقویت نماید. استدلال مذکور ظاهراً حاکی از آن خواهد بود که رشد مستمر تولید و درآمد ناخالص داخلی ایجاب می‌کند که سهم بیشتری از کالاهای تولید داخلی جذب بازارهای مصرف در خارج کشور گشته، بدین طریق موجب افزایش سطح تولید و درآمد ملی به تناسب ضریب فزاینده (Multiplier) گردد و راه دیگر آن البته کانالیزه کردن کالاهای مذکور بسوی اردوهای تولید کالاهای سرمایه‌ای در داخل کشور می‌باشد.

پیش درآمد فوق قبل از ورود به بحث پدیده مصرف و تقاضا لازم است زیرا که در اقتصاد، مصرف و پس انداز بدو طریق مختلف موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌گردند. رشد مصرف از طریق تشویق انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری موجبات افزایش درآمد را فراهم می‌آورد و پس انداز با فراهم آوردن منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری از این طریق موجب افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی

می‌گردد.

مصرف پارچه عمدتاً بواسطه پوشاک است. حکم مزبور چنانچه در مورد برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی صادق نباشد در مورد کشورهای در حال توسعه کاملاً صادق است. پوشاک از نیازهای اولیه و اساسی بشر بشمار می‌رود و بعد از ادواری که صرفاً نیاز استتار و یا حفاظت را برآورده می‌ساخته، سریعتر از نیازهای دیگر جنبه فرهنگی و اجتماعی یافته است. ایلات، قبایل و طوایف اگر به شکل ظاهر و اندام از یکدیگر قابل تمیز نمی‌شدند با پوشیدن جامه‌ای، کلاهی و یا پوششی خاص وجه تمایز اجتماعی و فرهنگی خود را ظاهر می‌ساختند. بعدها طبقات و گروههای اجتماعی نیز جامه‌ای خاص طبقه و گروه خود یافتند و این جنبه تا حد صنوف مختلف نیز پیش رفت. از گذشته‌های دور جامه سربازان با دیوانسالاران و پیشه‌وران و کشاورزان متفاوت بوده است. تا امروز نیز که جنبه دلالت پوشاک بر طبقه و گروه خاص اجتماعی در بسیاری از کشورها - که البته تا حدودی باقی مانده است - کمتر شده است هنوز نیز در حد تمایز جنسی، سنی، شغلی و اجتماعی در حد معینی بقوت خود باقی مانده است. در جامعه ایران نیز با وجود اینکه تمایزات ملی قومی، گروهی و اجتماعی بسیار کاهش یافته و



هوای مرطوب، معتدل و متمایل به سرد بیشتر از مردم مناطق آسیائی و مردم این مناطق بیشتر از ساکنین قاره آفریقا پارچه‌های فاستونی مصرف می‌نمایند.<sup>۱</sup>

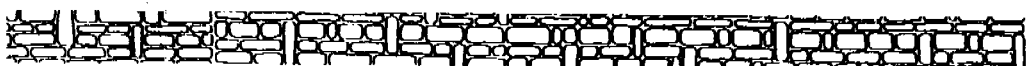
قبل از ورود به بحث کمیت آماری مصرف پارچه و عوامل مؤثر بر آن لازم است یادآور شد که با گذشت ایام و انباشته شدن روزانه پیشرفتهای فنی و انتقال کم و بیش آن به تمامی جوامع بشری همبستگی و ارتباط مصرف پوشاک و پارچه ضعیف‌تر می‌شود همچنانکه همبستگی و یگانگی مصرف الیاف و پارچه تضعیف شده است. بعبارت ساده‌تر در دهه هفتاد و هشتاد میلادی نسبت به دهه‌های قبل با مقدار کمتری از الیاف مقدار بیشتری پارچه و با مقدار کمتری پارچه مقدار بیشتری پوشاک تولید می‌شود و همین امر ارتباط و سازگاری ارقام در سنوات مختلف را کاهش داده است. از لحاظ وزن، نیز پارچه‌های جدید با استفاده از الیاف سبک‌تر و ظریف‌تر نسبت به

پدیده‌ای بنام ملت با بافت‌نوین و وحدت امروزین آن تا حد زیادی شکل گرفته است، معهذا هنوز نیز طوایف، عشایر و اقوام بسیاری نظیر اکراد، لرها، بلوچها، قوم ترکمن، شاهسونها، روستائیان شمال، جنوب و نقاط مرکزی کشور تا حدود قابل ملاحظه‌ای بوسیله جامه و لباس خود از یکدیگر قابل تشخیص بوده گاه کاملاً از همدیگر متمایز می‌باشند.

مسئله نکتہ‌ای را که در بررسی نیاز پوشاک و پارچه بعنوان مبانی مصرف آن ناگفته نباید گذاشت تأثیر شرایط و عوامل غیراقتصادی در این بخش از رفتار مصرفی آدمیان است. به تأثیر عوامل اجتماعی تا حدودی در فوق اشاره گردید و به عوامل مؤثر بر مصرف نیز اشاره می‌گردد لکن در اینجا لازم است تذکر داده شود که از جمله عوامل بسیار مهم در حدود کمی و کیفی مصرف طبیعی پوشاک و پارچه، شرایط اقلیمی و از آن جمله آب و هوا می‌باشد بطوریکه جامعه اروپائی با توجه به آب و

۱: مصرف سرانه پشم در کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی به ترتیب حدود ۱۸ و ۱۲ برابر مصرف سرانه آن در قاره آفریقا و شرق و جنوب شرقی آسیاست در حالیکه مصرف سرانه پنبه در مناطق مذکور تنها چهار تا شش برابر مصرف سرانه پنبه در مناطق مورد مقایسه می‌باشد. برای مأخذ و اطلاعات بیشتر ر. ک. به م. پ. ب، شناسنامه منسوجات (تهران م. پ. ب، در دست انتشار)

مأخذ اصلی، گزارش. World Textile Trade and Production Trends. می‌باشد.



پارچه‌های قدیمی سبک‌تر می‌باشند و صنعت کشفاف قادر گشته است با تولید لباس بدون درز در مصرف پارچه و الیاف، صرفه‌جوئی بسیاری را امکان‌پذیر نماید. رواج استفاده از کامپیوتر در صنایع پارچه‌بافی و تولید پوشاک صرفه‌جوئی هر چه بیشتری را در مصرف پارچه میسر می‌سازد و تولید پارچه‌های عریض‌تر امکان اجرای هر چه سریع‌تر و بهتر صرفه‌جوئی را فراهم می‌آورد و لذا یک محقق در برآورد تولید و مصرف پارچه و پوشاک با مشکلات بیشتری نسبت به گذشته روبرو می‌باشد بطوریکه دستیابی به ارقام واقعی تولید و مصرف که مقایسه علمی و واقع‌بینانه‌ای را نیز ممکن سازد تا حدود غیرممکن مشکل می‌شود. از این یادآوری چنین نتیجه می‌شود که مصرف سرانه پارچه به تنهایی جهت مقایسه رفاه مصرفی کشورها و جوامع در این زمینه کافی نبوده و بموازات مصرف سرانه، کیفیت تولید پوشاک در آن کشور یا جامعه را نیز باید مدنظر داشت، چه بسا که عدم رشد در مصرف سرانه پارچه همراه با رشد نسبی مصرف سرانه پوشاک در شرایط ثابت باشد.

علاوه بر آن شایان ذکر است که کیفیت مصرف بنا به ترکیب جمعیت نیز قابل تفسیر است و رقم مصرف سرانه بطور کلی در اغلب اوقات برای کشورهای در حال توسعه شاخص مصرف آحاد ملت نمی‌باشد و چه بسا که گروه پردرآمد جامعه که اقلیت را تشکیل می‌دهند دارای چنان سطح بالائی از مصرف سرانه باشند که رقم متوسط مصرف سرانه کشور را در حد قابل‌قبولی بالا نشان دهند درحالی‌که واقعیت فقر مصرف سرانه برای جمعیت کثیری بصورت روزمره و ملموس وجود دارد. بطورکلی همراه با کاهش دوگانگی و چندگانگی در جوامع، یکسانی واقعیت مصرف سرانه و امکان کاربرد آن بعنوان یک شاخص بیشتر می‌شود.

بعنوان مثال برای جوامع فقیر روستائی برخی از کشورهای در حال توسعه که در دور باطلی از فقر به حیات خود ادامه می‌دهند پوشاک گرچه کالائی ضروری است ولی مصرف آن در حد پائینی قرار دارد. در حالیکه برای اقلیتی از جامعه که در درآمد و مصرف شبیه همسلکان اروپائی و آمریکائی خویش می‌باشند

(۱): برای توضیحات بیشتر و اطلاعات مشخص ر.ک. به،

UNIDO, *The Textile Industry* (New York, U.N., 1971), p. 3.



و غیرقابل کنترل می‌شود. بدون شک از بهترین وسایل نیل به چنین هدفی، دستیابی به یک سری زمانی مصرف می‌باشد. بهترین روش برآورد ارقام مصرف، محاسبه مصرف و یا مصارف بخش خصوصی و بخش عمومی می‌باشد. بخش خصوصی شامل نهادهای خصوصی و بطور کلی افراد و خانوارهای معمولی است در حالیکه بخش عمومی شامل مصرف کنندگانی نظیر شهرداریها، ادارات دولتی، بیمارستانها و نظایر آن می‌باشد. روش اندازه‌گیری مصرف پارچه توسط یک فرد یا خانوار معمولی، پرسش و جواب سوالی است مبنی بر هزینه‌ای که بمنظور خرید و تهیه پارچه در مدت زمانی معین - معمولاً یک ماه - توسط شخص او پرداخت شده است<sup>۱</sup> روش دیگر برآورد مصرف سرانه با استفاده از برآورد مصرف ظاهری<sup>۲</sup>

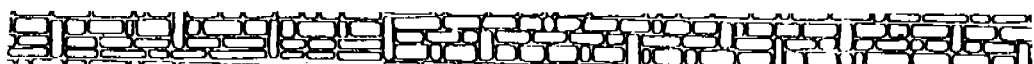
بعنوان کالائی تفننی مطرح بوده از مظاهر خودنمائی، آراستگی، مدپرستی و نظایر آن می‌باشد. بی‌شک کیفیت مصرف این گروه اقلیت به لحاظ طرح، رنگ، بافت، دوخت و مدت استفاده با کیفیت مصرف گروه فقیر و محبوس در اقتصاد عقب مانده و یا بسته روستاها و دیگر مناطق توسعه نیافته جامعه و کشور متفاوت است و گزیری جز این نخواهد بود که مطالعه مصرف را در این موارد به تفکیک انواع جوامع موجود در کشور انجام داد که برای کشورما در حداقل آن یعنی به تفکیک جوامع شهری و روستائی می‌باشد.

اما چگونه باید به نیاز و مصرف جامعه دست یافت و یا آنرا برآورد کرد. بدون پیش‌بینی میزان نیاز و مصرف داخلی پارچه امکان ارزیابی توان صادراتی بسیار کاهش یافته، روند صادرات تابع نوسانات

در این مدرک آمده است که در برخی جوامع فقیر روستائی آمریکای لاتین که بخش مهمی از اقتصاد آنها داخل بازار قرار نمی‌گیرد و امورات زندگی آنها بطور عمدۀ از طرق غیرمبادله‌ای می‌گذرد حساسیت مصرف نسبت به قیمت زیاد بوده است (کشش قیمتی معادل  $1/3$  برای پوشاک)، کشش مزبور خلاف استنباط رایج دال بر عدم ضروری بودن کالا نبوده بلکه ناشی از فقر شدید مصرف یک کالا می‌باشد که به مجرد کاهش قیمت و افزایش درآمد به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد.

۱) و در صورتیکه کالا از طریق غیر خریداری تهیه شده باشد برآورد ارزش آن بجای رقم هزینه منظور خواهد شد.

## 2) Apparent Consumption



جدول شماره (۱) سهم پوشاک و کفش در هزینه مصرفی خانوار (در قیمت‌های ثابت) واحد: درصد

کشور	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
ایالات متحده آمریکا	۷/۸	۷/۸	۸/۱	۸/۳	۸/۴	۸/۷	۸/۷
کانادا	۹/۲	۹/۱	۹/۲	۹/۲	۹/۲	۹/۴	۰۰۰
ژاپن	۸/۳	۷/۸	۷/۷	۷/۴	۷/۲	۶/۹	۶/۶
فرانسه	۷/۵	۷/۳	۷/۰	۶/۸	۶/۷	۶/۸	۶/۸
آلمان فدرال	۹/۶	۹/۵	۹/۳	۹/۰	۹/۰	۸/۸	۸/۴
ایتالیا	۹/۰	۹/۱	۹/۰	۹/۲	۹/۵	۸/۹	۸/۶
انگلستان	۸/۲	۸/۱	۸/۴	۸/۵	۸/۶	۸/۸	۹/۰
انترن	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۲/۲	۱۲/۷	۱۲/۹	۱۳/۰
سوئد	۸/۱	۸/۵	۸/۶	۸/۸	۹/۱	۹/۳	۹/۶
سویس	۸/۹	۸/۹	۸/۷	۸/۶	۸/۷	۸/۴	۸/۲
سوئیس	۵/۲	۵/۱	۵/۱	۵/۰	۵/۱	۵/۲	۵/۰

GATT, *Textile and Cloting in the World Economy*: Annex 1-4 (Geneva: July 1984), p.4.

مقادیر قابل توجهی از منابع تأمین پارچه به افراد و یا شرکتهای تولید کننده پوشاک و سایر لوازم پارچه‌ای اختصاص می‌یابد که در آمار هزینه خانوار بصورت هزینه تهیه پوشاک آماده و یا تهیه پوشاک منعکس می‌گردد.

و تقسیم آن بر جمعیت در سال یا زمان معینی صورت می‌گیرد - که مصرف ظاهری خود معادل تولید داخلی با اضافه خالص واردات می‌باشد. بجز خانوار که پارچه و پوشاک را در مصرف نهائی خود بکار می‌برد پارچه دارای مصارف واسطه‌ای نیز می‌باشد یعنی

بطوریکه در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود در بسیاری از کشورهای پیشرفته (ژاپن، فرانسه، آلمان فدرال و نظایر آن) سهم هزینه پوشاک (و کفش) در کل هزینه خانوار دارای سیری کاهنده بوده و در معدودی از آنها سیر مزبور بطور خفیفی فزاینده است (آمریکا، انگلستان و اتریش). گاه این کاهش سهم بواسطه کاهش قیمت نسبی پوشاک بوده و نمیتواند بر کاهش مصرف گواه گرفته شود. چنین گواهی موکول به ارائه سهم پوشاک در کل مخارج خانوار است زمانیکه سهم مزبور در شرایط قیمتهای ثابت یکسال معین محاسبه گردد.

بالا ترین رقم مصرف سرانه پارچه در جهان، مربوط به کشور ایالات متحده آمریکا (۲۰/۸ کیلوگرم در سال ۱۹۸۰) و کشورهای اروپای غربی و پائین ترین ارقام مربوط به کشورهای آفریقائی می‌گردد. متوسط مصرف سرانه کشورهای پیشرفته صنعتی، در حال توسعه و جهان در سال ۱۹۸۰ به ترتیب ۱۶/۶، ۳/۵ و ۷ کیلوگرم

بوده است<sup>۱</sup> بزرگترین مصرف کنندگان پارچه‌های پنبه‌ای کشورهای جمهوری خلق چین، اتحاد جماهیر شوروی، هندوستان و ایالات متحده آمریکا می‌باشند. مصرف پارچه‌های نوع پنبه‌ای در کشورهای در حال توسعه تولید کننده پنبه معمولاً سهم عمده مصرف پارچه را تشکیل می‌دهد بطوریکه در سال ۱۹۸۸ سهم پنبه در پارچه‌های مصرفی کشورهای هندوستان و پاکستان (از تولید کنندگان مهم پنبه آسیا و جهان) به ترتیب ۸۸ و ۸۵ درصد بوده است<sup>۲</sup>.

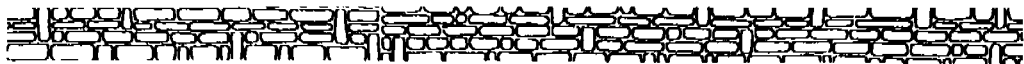
سطح مصرف داخلی پارچه نسبت به کشورهای جهان در سطح بالائی قرار ندارد و چنانچه همه نوع پارچه، منجمله پارچه‌های صنعتی را نیز در رقم مورد نظر وارد نمائیم مصرف سرانه نزدیک به میانگین مصرف سرانه کشورهای در حال توسعه خواهد بود (۳/۵ کیلوگرم) چنانچه بر طبق روش محاسبه و برآورد مصرف پارچه در پژوهش مورد نظر<sup>۳</sup> تنها پارچه‌هایی را که خانوار بمنظور تهیه پوشاک و لوازم

(۱): جدول مصرف سرانه پارچه در کشورهای مختلف جهان، تهیه و تنظیم از فرناز اصنافی، بولتن صنایع نساجی ایران شماره ۳۴ (آذرماه ۱۳۶۴)، صص ۲۴-۲۶.

(۲): عطاءالله ناظری، تولید و مصرف پنبه در جهان و در کشورهای پاکستان، هندوستان، بنگلادش

و ازبکستان شوروی (تهران: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی، ۱۳۶۸)، صص ۳-۵.

(۳): م.م. پ.ب، شناسنامه منسوجات (تهران: م.م.پ.ب، در دست انتشار).



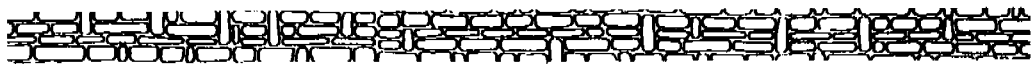
جدول شماره (۲) برآورد مصرف سرانه وسیر تغییرات مصرف پارچه در خانوار معمولی واحد: متر

سال	سرانه کشور سالانه ( درصد )	تغییر سالانه ( درصد )	سرانه شهری	تغییر سالانه ( درصد )	سرانه روستایی	تغییر سالانه ( درصد )
۱۳۵۴	۲۴/۶	۱۶/۷	۲۸/۶	۲۵/۴	۲۱/۱	۸/۲
۱۳۵۵	۲۴/۱	-۲/۰	-	-۹/۳	۱۹/۷	-۶/۶
۱۳۵۶	۲۴/۶	-۲/۱	۲۳/۵	-۹/۳	۲۳/۷	۲۰/۳
۱۳۵۷	۲۴/۳	-۵/۵	-	-۳/۸	۲۲/۶	-۴/۶
۱۳۵۸	۲۱/۱	-۵/۴	۲۱/۸	-۳/۸	۲۰/۴	-۹/۷
۱۳۵۹	۲۰/۰	-۵/۲	۱۵/۰	-۳۱/۲	-	-۶/۴
۱۳۶۰	۱۸/۹	-۵/۵	-	۱۲/۸	-	-۶/۴
۱۳۶۱	۱۷/۶	-۶/۹	۱۹/۱	۱۲/۸	۱۶/۰	-۶/۴
۱۳۶۲	۲۱/۳	۲۱/۰	۲۲/۴	۱۷/۳	۲۰/۳	۲۶/۹
۱۳۶۳	۲۰/۴	-۴/۳	۲۰/۶	-۸/۱	۲۰/۴	۰/۵

مآخذ: مرکز آمار ایران برای ارقام ریز هزینه خانوار شهری و روستایی سالهای ۱۳۵۴-۶۳

پارچه ای منزل به اشکال مختلف پارچه، پوشاک آماده، ملحفه، پرده ای آماده و غیرآماده و نظایر آن خریداری و بحساب هزینه خانوار پرداخت کرده است بحساب آوریم مصرف خصوصی پارچه از این طریق برآورد می شود که با افزودن مصرف بخش عمومی مصرف کل پارچه بدست می آید. جداول شماره ۲ و ۳ مصرف سرانه و کل کشور را برای سالهای موردبررسی برآورد می نمایند.





جدول شماره (۳) برآورد حدود مصرف کل پارچه در کشور واحد: میلیون متر

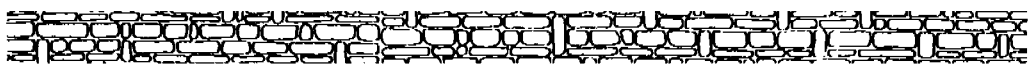
سال	جمعیت (هزار نفر)	مصرف خصوصی	حدود مصرف کل
۱۳۵۴	۳۲۷۶۵/۰	۸۰۶/۰	۸۴۶/۳-۷۸۴/۴
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸/۷	-	-
۱۳۵۶	۳۴۶۵۶/۵	۸۱۷/۹	۹۷۸/۹-۸۵۸/۸
۱۳۵۷	۳۵۶۳۶/۸	-	-
۱۳۵۸	۳۶۶۵۰/۹	۷۷۳/۳	۸۵۰/۱-۸۱۱/۹
۱۳۵۹	۳۷۶۹۹/۵	-	-
۱۳۶۰	۳۸۹۵۱/۱	-	-
۱۳۶۱	۴۰۸۵۴/۵	۷۱۹/۰	۷۹۲/۰
۱۳۶۲	۴۲۸۵۱/۰	۹۱۲/۷	۱۰۰۴/۰
۱۳۶۲	۴۴۹۴۵/۰	۹۱۶/۹	۱۰۹۷/۶-۱۰۰۸/۶
۱۳۶۴	۴۷۱۴۱/۳	۹۸۰/۵	۱۰۷۸/۶-۱۰۵۲/۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵/۰	۸۸۵/۱	۹۷۳/۶-۹۴۴/۳
۱۳۶۶	۵۱۰۰۱/۸	۹۶۹/۰-۹۳۸/۴	۱۰۶۵/۹-۱۰۱۵/۴

مأخذ: جدول قبلی

توضیح:

- ۱- ارقام جمعیت در سالهای غیر سرشماری برآورد مؤسسه می باشد.
- ۲- تفاوت مصرف کل از مصرف خصوصی سهم بخش عمومی می باشد.
- ۳- وجود دامنه برآورد مصرف کل بواسطه استفاده از ارقام هزینه خانوار دو مرکز آمارگیری از هزینه روزانه خانوار می باشد (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ج.ا.ا.)
- ۴- در سال ۱۳۶۱ آمارگیری توسط دو مرکز بصورت مشترک انجام گرفته است.
- ۵- در سال ۱۳۶۲ بانک مرکزی ج.ا.ا آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار شهری نداشته است.

نمودن مصرف کنندگان عشایری- فرصت طرح آن در این مقال نیست و در کمتر قابل استفاده می باشد اما متأسفانه رابطه با موضوع و هدف اصلی مقاله روند



کلی مصرف داخلی برای علاقمندان تحلیل میشود تا معماران توسعه صادرات منسوجات و برنامه‌ریزان کشور را در راستای کنترل مصرف داخلی و هدایت الگوی مصرف پارچه بکار آید.

یکی از کالاهائی که با افزایش فروش و درآمد نفت در سالهای ۱۳۵۳ ب بعد مصرف آن با رشد چشمگیری مواجه شد پارچه و پوشاک بود. افزایش سریعتر مصرف نسبت به تولید در سالهای مزبور زمینه را جهت واردات هر چه بیشتر پارچه فراهم نمود. برخوردار شدن جامعه از رفاه نسبی و رشد اختلاف درآمدی گروههای اجتماعی<sup>۱</sup>، حس تشخیص در افراد گروه متوسط بویژه تحصیلکردگان و افراد گروه پردرآمد را افزایش داد. امواج درآمد نفت که به سرعت و با تألوی بیشتر ابتدا شهرها را روشن نمود گروههای مزبور را تشویق کرد تا هماهنگ با هم سلکان غربی خود یا بهتر همدیفان مرقه خود در کشورهای اروپائی و آمریکائی مصرف کرده و یا بهتر از مصرف آنها تقلید نمایند. درآمد حاصل از فروش

نفت که حاصل تلاش و کسب معاش افراد ملت و بویژه بهره‌برداران از آن نبود بصورت بادآورده و بی حساب راهی مخارجی گردید که جنبهٔ تفتنی، تشخیص و اشرافیت منشی در آن کالاهای بیشتر بود و بدون شک پوشاک از مهمترین آنها بود. خیاطخانه‌های جدید با نام فرنگی مزون در گوشه و کنار مناطق ثروتمندنشین شهر تهران و شهرهای بزرگ کشور روئیده شد. شیک پوشی بصورت منشی مسلط درآمد و تقلید از لباسهای جدید و مدهای تازه جزء زندگی پیشاهنگان این الگوی مصرف گردید. در چنین شرایطی مصرف پارچه و پوشاک تا حدود زیادی افزایش یافت بطوریکه در طبقات متوسط و بالای درآمدی به حد اشباع خود رسید و رشد سریعتر مصرف در این گروهها موقوف به کاهش سریعتر قیمت و یا افزایش سریعتر درآمد شد، علی‌رغم اینکه در سالهای ۱۳۵۴ - ۵۶ ککش قیمتی و درآمدی تقاضا هر دو بالاتر از واحد قرار گرفت.<sup>۲</sup> مصرف پارچه و پوشاک با توسعه واردات رو به افزایش

۱): ضرب جینی که بزرگ شدن آن معرف بدتر شدن وضع توزیع درآمد است بین سالهای ۱۳۵۱-۵۶ افزایش یافته است (از ۰/۴۵ به ۰/۵۱۵)

مرکز آمار ایران، روند تغییرات شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در ایران در سالهای ۶۱-۱۳۴۷ (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴)، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲): ککش درآمدی و قیمتی تقاضای پوشاک به ترتیب ۱/۰۴ و ۱/۰۷۵ - برآورد شده است. برای

نهاد. لکن رشد بیشتر آن موکول به سرایت امواج توسعه درآمد به روستاها شد؛ بطوریکه در سال ۱۳۵۶ مصرف سرانه شهری کاهش و مصرف سرانه روستائی افزایش نشان داد. مصرف کل تحت تأثیر دو عامل افزایش مصرف سرانه و جمعیت کشور تغییر می‌کند و چنانچه در سال مزبور مصرف سرانه کاهش یافته باشد افزایش مصرف کل طبعاً به اندازه تفاوت رشد جمعیت از نرخ کاهش مصرف سرانه (شامل مصرف سرانه بخش عمومی نیز می‌شود) بوده است. مصرف سرانه گرچه احتمال دارد که در سال ۱۳۵۶ کاهش یافته باشد<sup>۱</sup> و لکن منشأ خطا می‌تواند مصرف سرانه سال ۱۳۵۴ نیز

باشد که بالاتر از اغلب برآوردها از مصرف سرانه در سال مزبور می‌باشد<sup>۲</sup>. تا اواسط دهه پنجاه مصرف سرانه پارچه و پوشاک همراه با افزایش درآمد سرانه و سریعتر از آن هماهنگ با تبلیغات تجاری امپریالیسم تبلیغاتی و رواج استفاده از انواع خدمات تفریحی - سالم و ناسالم - و معماری و آراستگی ظاهری داخل منازل و نظایر آن افزایش یافت. چنین افزایشی قبل از آنکه منعکس کننده ارضاء نیازمندیهای واقعی روستائیان و فقیران جامعه شهری باشد بیشتر ناشی از رفاه طلبی کسالت آور و محدود گروهی مصرف زده و تجمل پرست بود که دیر یا زود چون بپر میان تهی هیبت خود را از

مآخذ و اطلاع بیشتر ر. ک. به محمد طیبیان. پیش‌بینی نیازهای مصرفی سرانه کالاهای اساسی با استفاده از دستگاه معادلات مخارج خطی.، برنامه و توسعه شماره اول دوره اول (زمستان ۱۳۶۳)، ص ۱۰۰.

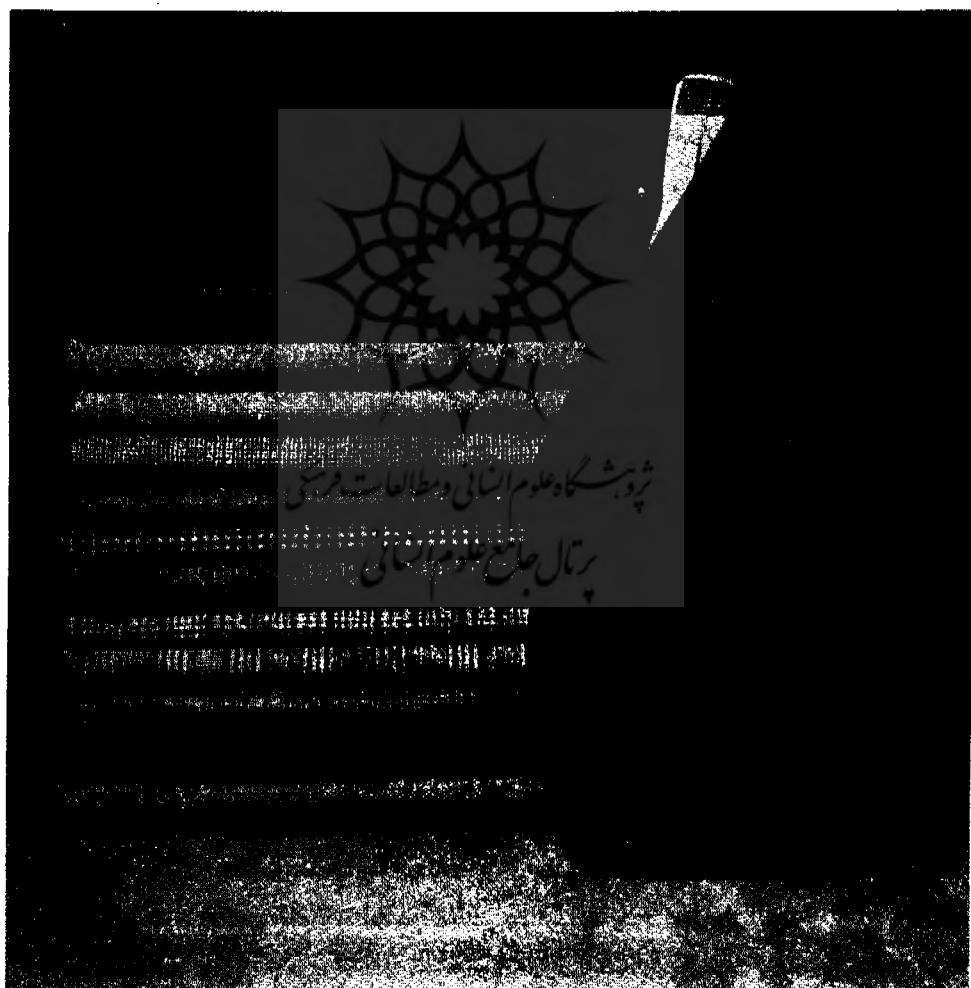
۱): در سال مذکور ارزش واقعی تولید ناخالص سرانه کشور کاهش یافت و در شرایط کاهش نسبی درآمد و افزایش هزینه‌ها طبعاً ابتدا مخارجی کاهش داده میشود که امکان آن بیشتر موجود است. اجاره مسکن، خورد و خوراک و برخی از خدمات چنین نیستند در حالیکه بخش مهمی از پوشاک دارای چنین جنبه‌ای می‌باشد (برای تولید سرانه ر. ک. به بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف).

۲): برای مقایسه و اطلاع بیشتر ر. ک. به وزارت صنایع، بررسی و برنامه‌ریزی صنعت نساجی پنبه، و الیاف مصنوعی (تهران: وزارت صنایع، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۶ و محمدحسین نادرزاده با همکاری کیومرث رشیدی، بررسی اقتصادی بازار پارچه و طرح توزیع آن (تهران: سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۰)، ص ۲۴.



شهری نیز افزایش یافت. امواج توسعه درآمد گرچه برای روستاها بسیار خفیف‌تر از شهرها بود لکن بواسطه دلایلی چون بالاتر بودن درجه خود مصرفی روستائینان در تأمین مواد غذایی خوراکی و دخانی نسبت به شهرنشینان از یکسو و پائین‌تر بودن نسبی هزینه مسکن و ساختمان از سوی دیگر

دست می‌داد و فرومی‌نشست. در این سالها واردات و تولیدات داخلی تا حدود زیادی متوجه نیازهای چنین اقشاری از جامعه شد که حاضر به خرید پارچه و پوشاک دلخواه خود به قیمت‌های گزاف بودند بنابراین قیمت منسوجات فوق و متعاقب آن منسوجات موردنیاز روستائیان و گروههای کم‌درآمد

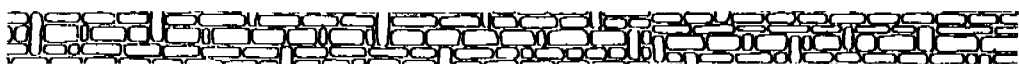


سهم بیشتری از درآمد اضافی جذب مخارج تهیه پارچه و پوشاک آماده شد تا بحدیکه مصرف سرانه در مناطق مزبور در سال ۱۳۵۶ از مناطق شهری نیز فراتر رفت (۲۳/۷ متر در برابر ۲۳/۵ متر در جدول شماره ۱).

سال ۱۳۵۷ مقارن با بحرانهای انقلابی برای رژیم گذشته و شروع تحول اساسی در زندگی و خلق و خوی مردم بود. بسیاری از رفتارها زیر سؤال رفت - رفتارهایی که کمتر مبتنی بر آگاهی و ارزشی اجتماعی و انتخاب شده که بیشتر مبتنی بر بیگانگی از خود و فراموشی مبانی ارزشی در مصرف بود. در سال ۱۳۵۷ از هزینه خانوار مناطق شهری توسط مرکز آمار ایران آمارگیری بعمل نیامد اما همه چیز مؤید این نظر است که در سال مزبور مصرف سرانه همراه با کاهش امکانات عرضه داخلی کاهش یافته است. در سال ۱۳۵۸ روحیه انقلابی مبارزه با مصرف زدگی و میل کاهش یافته به مصرف ادامه یافته و بی پیرایگی و وارستگی ظاهراً اهمیت بیشتری داشته است. ظاهر بسیاری از جوانان با یک کاپشن یا بلوز و یا اورکت معمولی آراسته شد و برای بسیاری از جماعت تعدد پوشاک رو و مورد استفاده، محدود گردید.

حجاب اسلامی که ظاهر بانوان را بصورتی ساده و همشکل می آراست فاقد جنبه و استعداد پرمصرفی و مدمصرفی بود و یا لاقط هنوز این جنبه را نیافته بود. عرضه فراوان پوشاک آماده که از منابع تولیدات داخلی و واردات تغذیه شده بود سهم پوشاک آماده در سال مزبور را به بالاترین حد طی دوره مورد بررسی رساند (۶۲ درصد). سال ۱۳۵۹ در شرایط ادامه وضع مزبور شروع گردید ولی بتدریج اثرات حصر اقتصادی بر عرضه و مصرف کالاها ظاهر می گردید که جنگ تحمیلی بروز کرد و مصائب جامعه در تأمین و عرضه کالا شدیدتر شد. کاهش سریع بسیاری از فعالیتها و درآمدها در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ همراه با انتظار مردم نسبت به سهمیه بندی کالاها موجبات پیدایش روحیه تهاجم برای خرید کالاها، خوراکی و مصرفی روزمره را دامن زد و عملاً بخش بیشتری از هزینه های مصرفی متوجه کالاها می گردید. کمبود پارچه گرچه تا حدودی محسوس بود اما هنوز بشکل جدی بروز نیافته بود و نسبت به تأمین آن احساس خطر کمتری می شد. بنابراین با احتمال بسیار زیاد مصرف در ادامه و استمرار روحیه انقلابی و پایداری، علیرغم برخی از برآوردها<sup>۱</sup> - مبتنی بر این

۱: برای مآخذ و اطلاع بیشتر ر. ک. به، محمدحسین نادرزاده با همکاری کیومرث رشیدی، پیشین، ص ۲۵.



بودند. در چنین شرایطی بسیاری از رفتارهای مصرفی گذشته که تکانی خورده اما از جا کنده نشده و از میان نرفته بود از نو تقویت گردید و تجدید حیات یافت. حرص و ولع مصرفی دوباره با حادتی بیشتر از گذشته رجعت نمود و متعاقب چنین اوضاع و احوالی در شرایط کمبود تولید و واردات صف‌های پارچه جلوی درب فروشگاههای قماش تشکیل شد. برخی از زنان و مردان نیازمند از صبح سحر برای تهیه چندمتری پارچه جلوی فروشگاهها نوبت می‌گرفتند. تو گوئی که لخت مانده‌اند. سه سال پایانی ۱۳۶۰ و ۶۱ و ۶۲ سالهای رشد مصرف مناطق شهری است در حالی که مصرف مناطق روستائی سیر کاهنده داشت، سیر مصرف مناطق شهری فزاینده بود. برای برخی همه چیز تحت الشعاع مصرف بیشتر قرار گرفت.

روحیه مزبور به لحاظ عواملی نظیر بهبود موقعیت دفاعی کشور و وضعیت فروش نفت و درآمد ارزی حاصله، فرصت رشد و توسعه یافت. امکانات عرضه با افزایش مواد اولیه و تقویت و توسعه تولید از یکسو و افزایش واردات پارچه از سوی دیگر بطور چشمگیری رو با افزایش گذاشت بطوریکه سال ۱۳۶۲ از لحاظ میزان واردات منسوجات در تاریخ بازرگانی خارجی کشور بی نظیر بود. ملی شدن

دلایل که در سال مزبور بواسطه جنگ تحمیلی، تشدید انتظارات نسبت به افزایش قیمتها در آینده و افزایش تولید و واردات نظیر آن - کاهش یافته است (در سطح کشور به رقم ۲۰ متر). جنگ تحمیلی لطمات جدی به اقتصاد کشور و اهداف پیش‌بینی شده توسعه اقتصادی وارد آورد. نه تنها بسیاری از فرصتهای اقتصادی که حتی فرصتهای اجتماعی را نیز از میان برد. تلاش جهت نیل به اهداف عدالت اجتماعی و توزیع برابانه‌تر درآمد که مطابق آرمان برقراری قسط در جامعه اسلامی از پرجاذبه‌ترین شعارهای اجتماعی انقلاب بود تا حدود زیادی متوقف شد و شاید عمده همت دولت مصروف آن گردید که از عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در جامعه جلوگیری کند. رشد بسیار سریع اشتغال کاذب در فعالیتهای داد و ستد و توزیع کالاها و خدمات محدود همراه با رشد سریع بیکاری پنهان در فعالیتهای تولید صنعتی و خدماتی، شرایط اجتماعی و روانی نامناسبی را برای افراد فراهم کرد. شرایطی که در آن افراد آگاه و آرمان‌خواه و ایثارگر - مبراً از آلودگیها و خطرات آلودگی اجتماعی راهی میدانهای مختلف نبرد با دشمن بعثی می‌شدند و احتکارگران و ثروت‌اندوزان بدور از هرگونه مسلمانی و خلق و خوی بشری سرگرم چپاول خلق الله

واردات منسوجات<sup>۱</sup> و انحصار استفاده از امکانات ارزی دولت به مرکز تهیه و توزیع منسوجات از یکسو و ایجاد واحد توزیع منسوجات از سوی دیگر، قدمهائی در راه کنترل جدی دولت بر واردات و توزیع تلقی شد و تأثیر مثبتی بر گرایشات سالم مصرف و توزیع داشت بطوریکه از اواسط سال ۱۳۶۲ بتدریج پدیده تشکیل صف برای خرید پارچه از میان رفت و با توزیع مقادیر معتدله‌ی پارچه از طریق تعاونیه‌های مصرف‌کارمندی و کارگری و تهیه و توزیع، فروشگاههائی قماش طی سال ۱۳۶۲ تا اواخر ۱۳۶۳ پرمشتری و پرفعالیت بود. از اواخر ۱۳۶۳ اشتهای مصرف‌باز پس نشست، تا آنجا که رکود بر بازار پارچه و پوشاک حاکم شد. ماه اسفند که از ماههای پرفروش پوشاک و پارچه می‌باشد در سال مذکور از کم‌فروش‌ترین ماههای سال بود. افزایش امکانات عرضه داخلی که ناشی از رشد سریع تولید داخلی و واردات پارچه و پوشاک بود بسیار از رشد مصرف و تقاضا فراتر رفته بود.

رکود بازار در شرایط مزبور موجب تخفیف انتظارات تورمی و خود عاملی در تشدید رکود مصرف و تقاضا و عقب ماندن آن از عرضه شد. رکودی که برای پارچه و پوشاک در اواخر ۱۳۶۳ شروع و در سال ۱۳۶۴ تقریباً از میان رفت برای اقتصاد کشور در سال ۱۳۶۴ شروع گردید. در سال مزبور سرمایه‌گذاری بخش خصوصی - و بویژه در زمینه‌های ساختمان‌سازی - کاهش یافت و سرعت افزایش سطح کلی قیمت‌ها نقصان گرفت (از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۴/۱ درصد در سال مزبور<sup>۲</sup>)، دلیل این امر بطور عمده در رشد خفیف‌تر و تثبیت نسبی اجاره‌بهای مسکونی در مناطق شهری و قیمت پوشاک بوده است بطوریکه قیمت نسبی پوشاک در سال ۱۳۶۴ نسبت به ۱۳۶۳ کاهش یافت<sup>۳</sup>. کاهش نرخ تورم موجب افزایش نسبی انتظارات درآمد واقعی گردید و علاوه بر عامل قیمت کاهش نسبی سهم برخی هزینه‌ها نظیر هزینه تهیه مسکن و پیدایش شرایط افزایش سهم هزینه پوشاک و پارچه در مخارج

- ۱: وزارت بازرگانی، تلاش سه ساله (تهران، وزارت بازرگانی، ۱۳۶۰)، ص ۱۴۱.
- ۲: بانک مرکزی ج.ا.ا، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران. برای سایر اطلاعات رک، بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۶۴ (تهران: بانک مرکزی، بی تا)، ص ص ۱۵۰ و ۱۸۷.
- ۳: همانجا



اخیر روند مزبور همچنان ادامه یافته و گرچه با نوساناتی از افزایش در سال ۱۳۶۶ روبرو بوده اما رویهمرفته با افزایش شدید سطح قیمت‌های پارچه و پوشاک و محدود شدن توزیع آنها از طریق شبکه‌های تعاونی و استفاده بیشتر از ارز غیررسمی و گران برای واردات مواد اولیه و پارچه توأم با افزایش سود بازرگانی و مابه‌التفاوت دریافتی، مصرف پارچه و پوشاک در حد نیاز غیرقابل گذشت برای اکثریت مصرف‌کنندگان متوقف گشته است. در چنین شرایطی میزان حساسیت تقاضا به قیمت و درآمد تا حدود زیادی کاهش یافته، نقصان بیشتر در منابع عرضه کالا، نوسانات شدیدتر و باز هم شدیدتری در قیمت کالا ایجاد می‌کند. کاهش مصرف بخودی خود پدیده قابل انتقادی نیست، زیرا کاستن از مصرف حال برای رفاه بیشتر آیندگان و یا موقعیت بهتر جامعه در آتیه در قاموس توسعه، پذیرفتنی است. آنچه ناپذیرفتنی است اینست که این کاهش ناشی از فشار قیمت و درآمد بر گرده اکثریتی مستضعف باشد. توسعه دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی،

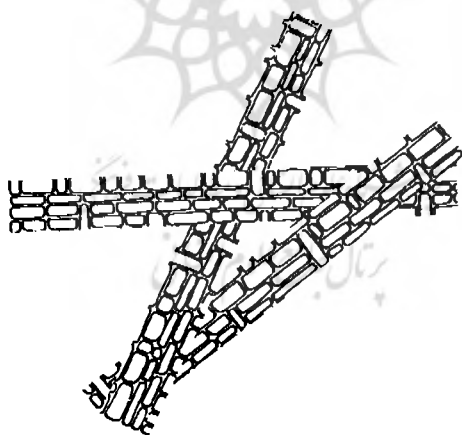
خانوار موجب افزایش مصرف و تقاضای پارچه شد<sup>۱</sup> بطوریکه در سال مزبور مصرف پارچه در کل کشور حدود دو درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت. رکود اقتصادی در سال ۱۳۶۴ و ۶۵ ادامه یافت اما علاوه بر آن توطئه کاهش بهای نفت در دی‌ماه سال مذکور شروع دور جدیدی از مضمیقه روش نفت بخارج و درآمد ارزی مورد نیاز کشور را بدنبال داشت. محدودیت تخصیص ارز بیش از تأمین کالاهای اساسی و نیازهای تسلیحاتی دامنگیر تولیدات صنعتی و من جمله صنایع نساجی کشور شد. صنایع مذکور که تا حدود زیادی به مواد اولیه و قطعات صنعتی خارجی وابسته‌اند در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ چار محدودیت شدید شده، تولید آنها در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت در حالیکه در سال ۱۳۶۴ در سطح سال قبل حفظ شده بد. افزایش نرخ غیررسمی ارز و امکان ستفاده از آن برای واردات در شرایط کمبود عرضه نسبت به تقاضا شرایط تورمی را تقویت کرده بدین ترتیب همراه با کاهش درآمد واقعی سرانه، مصرف پارچه در سال مذکور کاهش یافت. در سالهای

۱: از مهمترین شرایط بوجود آمده افزایش درآمد واقعی سرانه مزد و حقوق‌بگیران کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۶۴ پس از چند سال کاهش بوده است. (برای مآخذ و اطلاع بیشتر رک به بانک مرکزی، نتایج بررسی از کارگاههای بزرگ صنعتی کشور، ادوار مختلف.



اجتماعی و فرهنگی است و برای نیل به توسعه اقتصادی راهی جز تأمین نیازهای اساسی اکثریت مردم و کاهش شکاف اجتماعی وجود ندارد. حتی دولتهائی که از مبارزه در راه عدالت اجتماعی بعنوان گام اساسی و اولیه در راه توسعه اقتصادی دفاع نمی‌کنند و هماهنگ با برخی از اقتصاددانان خلاف آرمان مذکور مدعی می‌شوند که برای نیل به درجات معینی از رشد اقتصادی تشدید و یا تثبیت شکاف طبقاتی موجود در جامعه ضروری است، نیز در دفاع از سیاست خود بر این نتیجه‌گیری تکیه می‌نمایند که در بلندمدت همراه با

استمرار رشد و توسعه اقتصادی شکاف درآمدی در جامعه کاهش یافته و هماهنگ با افزایش رفاه و درآمد واقعی سرانه در جامعه توزیع آن نیز بتدریج بهبود می‌یابد.<sup>۱</sup> بنابراین بر سیاست‌گزاران کشور است که در برنامه‌ریزیهای توسعه اقتصادی و اجتماعی با استفاده از ابزارهای متنوعی که محدود به قیمت نباشد سیاست محدودیت مصرف و توسعه صادرات کالا را آنچنان اعمال نمایند که بیشترین فشار بر گروههای پرمصرف و پردرآمد و کمترین فشار بر گروههای کم‌مصرف و کم‌درآمد وارد آید.



۱: حمید سهرابی - مدیک سلمانی آقاجانزاده، الگوی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستائی ایران (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۰)، ص مقدمه